پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هشتم) پنجشنبه ۱۲ ثور ۱۳۴۷ هـ - (۲) می ۱۹۶۸ ع

مبارزه عادلانهٔ خلق پښتونستان در راه

حق تعیین سرنوشت

قیام مسلحانه ملی (۱۹۱۹ ع) خلق‌های دلیر و زحمتکش افغانستان اعم از پښتون، بلوچ، تاجیک، هزاره، ترکمن به تسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد. ولی با کمال تأسف قسمتی از خلق‌های پښتون و بلوچ آن طرف خط تحمیلی استعماری دیورند که در راه استقلال خویش متحداً دوش بدوش خلق‌های افغانستان فداکاریهای بیشماری نموده اند، همچنان در زنجیر بردگی استعمار انگلیس و بعداً تحت ستم طبقه حاکمه استعمارگر پاکستان باقی ماندند. از آن تاریخ تا کنون جنبش انقلابی رهایبخش ملی خلق‌های قهرمان پښتون و بلوچ به صورت پیگیر ادامه دارد.

نیروی ترقی‌خواه دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه وظیفه ملی و بین‌المللی خویش و بر مبنای اصل «حق تعیین سرنوشت ملل تا سرحد جدائی» از این جنبش انقلابی با جدیت تمام پشتیبانی می‌نماید.

هرگاه ملتی بنا بر ستم ملی، سیاست تبعیضی، تفوق طلبی و شوونیزم عظمت طلبانهٔ ملت ستمگر حاکم، از تأمین عدالت در داخل چوکات یک کشور و دولت معین امید خود را از دست بدهد، آن ملت حق و وظیفه دارد پیکار عادلانه خود را در راه آزادی از ستم ملی، تا سرحد جدایی از ملت ستمگر، آغاز کند؛ و مقدرات آینده خویش را بر مبنای اصل «حق تعیین سرنوشت ملل» طبق منافع ملی و اکثریت بزرگ خلق زحمتکش، با در نظر داشتن اصل مبارزه طبقاتی و ترقی اجتماعی تعیین نماید.

خلق قهرمان پښتون و بلوچ از یکنیم قرن باینطرف در برابر اشغالگران استعماری برتانیه، دوشادوش خلق کبیر هند در یک جبهه واحد پیکار نموده و با بیش از صدها قیام مسلحانه و دادن قربانی‌های بی‌شمار، ضربات مدهشی را به نیروهای متجاوز استعماری در سرزمین‌های خود وارد کرده‌اند، تا بالاخره در نتیجه این مبارزات دلیرانه در سال ۱۹۴۷ طومار امپراطوری برتانیه از سر زمین هند چیده شد و هند در اثر توطئه استعمار، بر اساس مذهب، به دو قسمت تقسیم شد و دولتی به نام پاکستان، بحیث پایگاهی برای ارتجاع و امپریالیزم در دو جناح شرقی و غربی آن تشکیل گردید.

استعمارگران برتانیه زمام امور دولت نوبنیاد پاکستان را بدست یک عده از ملاکان فئودال و سرمای داران بزرگ مرتجع سپردند که در زمان تسلط استعماری خود از وجود آنها به حیث نیروی ضد ملی و ضد جنبش استفاده می‌نمودند و همین نیروها

«ص ۲»

پیروز باد نهضت جوان و پر افتخار کارگری کشور

روز اول می، روز بین‌المللی طبقه کارگر جهان، برای نخستین بار در تاریخ مبارزات سیاسی کشور ما به ابتکار نیرو پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان با تظاهرات عظیم و پر شکوه تجلیل شد.

کارگران قهرمان کشور، روشنفکران و عدهٔ کثیری از شهریان کابل با شور و شوق بی‌نظیر در این تظاهرات عظیم اشتراک کردند و فریاد های «زنده باد طبقه جوان کارگر» فضای شهر را به لرزه در آورد.

پرچم: این اقدام قهرمانانه کارگران کشور را در برابر استثمار و ستم سرمایه و زورگویی طبقات حاکمهٔ مرتجع صمیمانه شادباش می‌گوید.

- درود آتشین به اتحاد کارگران، زحمتکشان و روشنفکران مترقی کشور.

- پیروز باد وحدت نیروهای دموکراتیک خلق.

گزارش مفصل این تظاهرات در آینده نشر می‌شود.

توقیف ظالمانه اکرم کارگر

بکمال تأسف اطلاع گرفته‌ایم که شام روز ۱۰ ثور ۱۳۴۷ محمد اکرم کارگر شرکت سرویس از طرف پولیس «بجرم» ایراد بیانیه بر آرامگاه محمد عارف فقید، کارگر شرکت سرویس که خبر فوت وی قبلاً نشر گردید و هم بمنظور جلوگیری از اشتراک وی در مظاهره روز اول می دستگیر و تحت تحقیق گرفته شد.

پرچم: طبق قانون در راه رهایی محمد اکرم کارگر وطن‌پرست با جدیت تمام مبارزه خواهد کرد؛ و این عمل خودسرانه پولیس را جداً محکوم می‌کند.

ببرک کارمل

ملاکین فیودال دشمن عمده طبقاتی خلق افغانستان

به منظور اینکه توده‌های عظیم خلق منحرف نگردد و در جنبش دموکراتیک و ملی کشور به سوی هدف غایی به پیروزی‌های شگوفان دست یابیم، باید توجه خود را به شناخت دشمن عمده خلق معطوف سازیم.

از آنجا که «مبارزه طبقاتی سرچشمه تکامل جامعه است» برای تعیین جهت صحیح و اصلی مبارزه باید در نظر داشت که در جامعه طبقاتی طبقات اصلی و طبقات فرعی وجود دارند. طبقات اصلی در کشور ما که با شیوه مسلط تولید در ارتباطاند عبارت‌اند از طبقات متخاصم دهقانان و مالکین ارضی (فیودال‌ها).

در افغانستان اساس مناسبات تولید فئودالی را مناسبات مالکیت فئودالی بر وسایل تولید و قبل از هر چیز بر زمین و همچنین تسلط کامل بر دهقانان تشکیل می‌دهد. به عبارت ساده‌تر: مناسبات مسلط تولید در کشور، استثمار دهقانان از جانب ملاکین فئودال است. درست است که از یکسو شکل فیودالیزم قرون‌وسطایی اروپای باختری و دیگر کشورها متفاوت است و همچنان در چند دههٔ اخیر فیودالیزم بنا به تغییرات نسبی در وسایل تولید (جاده‌ها، بندها، کانال‌ها، فابریکات... و غیره) و ظهور تأسیسات سرمایه‌داری در شهرها، رو به زوال است، معهذا تا کنون در نقاط مختلف کشور مناسبات فئودالی و بقایای آن (و همچنان مناسبات قبیلوی) تسلط دارد و تضاد عمدهٔ داخلی در جامعه ما میان توده‌های عظیم دهقانان و ملاکان ارضی (با ارتباط تضاد اساسی خلق ما به امپریالیزم) پا برجاست.

باید خاطرنشان ساخت که در زندگی اجتماعی تشخیص تضاد عمده یا اصلی اهمیت بسیار کسب می‌کند یافتن تضاد اصلی به طبقات و به نیروهای ترقی‌خواه امکان می‌دهد که سیاست درستی در مبارزه برای خود تعیین نمایند و جنبش را به جهت پیروزی رهبری کند.

در زندگی اجتماعی کشور ما دهقانان یکی از نیروهای محرک عمده نابودی فیودالیزم در جنبش دموکراتیک و ملی کشور بشمار می‌روند و مبارزه طبقاتی روز تا روز در بین دهقانان و مالک زمین اشکال جدی تری بخود می‌گیرد. در افغانستان دهقانان و فیودال‌ها بمثابه طبقات متخاصم اصلی وارد صحنه مبارزه‌اند و زحمتکشان شهر بخصوص کارگران ماشین (به حیث پیشروترین نیروی مبارزه) و پیشه‌وران و دیگر نیروهای دموکراتیک در اتحاد با دهقانان قرار می‌گیرند.

در افغانستان طبقه ملاکین فیودال باتحاد تجار بزرگ دلال و بیروکرات‌ها به حیث طبقه حاکمه از لحاظ ماهوی با امپریالیزم وابسته اند که نماینده عقب‌افتاده‌ترین و ارتجاعی ترین مناسبات تولیدی در افغانستان می‌باشند و از رشد نیروهای مولده جلوگیری می‌کنند. طبقه مالکین بزرگ ارضی و متحدین وی دشمنان عمده خلق اند که بهیچوجه با هدفهای جنبش و تغییرات سریع کیفی و بنیادی افغانستان توافق نمی کنند و گروه ضد جنبش دموکراتیک و ملی و ارتجاعی دست راستی افراطی را در کشور تشکیل می‌دهند. نمایندگان سیاسی این طبقات حاکمه در دولت و محافل حاکمه سیاسی کشور فراوان اند و هم اکنون این گروه ها برای حفظ منافع طبقاتی خود شعوری متشکل می‌شوند و در تلاش ایجاد سازمانهای سیاسی (احزاب) بخصوص خود می‌باشند.

وضع مالکیت ارضی در دهات افغانستان:

طبق احصائیه‌های تخمینی در دهات افغانستان مالکین سی فیصد نفوس دهات را تشکیل می‌دهند که از آن جمله: (۱) ملاکین بزرگ فئودال دو فیصد که ۴۰ فیصد زمین را مالک اند. (۲) مالکین متوسط مرفه‌الحال ۸ فیصد که ۳۰ فیصد زمین را در دست دارند. (۳) مالکین کوچک ۲۰ فیصد نفوس که مالک ۲۰ فیصد زمین اند.

در کشور ما مالکیت فیودال‌ها بر زمین به اشکال ذیل دیده می‌شود: مالکیت فیودال‌های اصلی محلی و استیلاگر، مالکیت روحانیون بزرگ، مالکیت اشراف و صاحبان حسب و نصب، مالکیت مأموران رشوه‌خوار

(ص ۲)

مژده:

بنا بر تقاضای پیهم خوانندگان ارجمند مبنی بر اینکه باید مضامین پشتو و فارسی پرچم در یک نسخه چاپ شود و همچنان استقبال گرم مردم از نشرات پرچم، این نشریه بعد از این به قطع بزرگتر، مضامین بیشتر و متنوعتر بروزهای دوشنبه بخدمت علاقمندان گرامی تقدیم می‌شود.

س: کشتمند

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوان‌تر می‌سازد

-۲-

حوزه «آزاد» تجارتی

قسمت بیشتر تجارت ما با کشورهای غیر سوسیالیستی بشکل مبادله آزاد، بر اساس سیاست درهای باز صورت می‌گیرد و از اینطریق بحساب رنج و دشواری‌های اقتصادی ملیونها انسان زحمتکش وطن، مشتی تجار بزرگ دلال و کمپرادور و تجار و نمایندگی انحصارات خارجی، با همکاری و مزج سرمایه‌های شان با یکدیگر سود هنگفتی بجیب می‌زنند و حاصل کار و زحمت مردم را بغارت می‌برند.

امپریالیسم با دستیاری دلالان داخلی خود می‌کوشد که ممالک کم رشدی چون افغانستان را به تولید چند نوع اموال صادراتی محدود کند و خود هرچه بیشتر اجناس مصرفی خود را به انواع مختلف بفروش برساند و در عوض اسعار بگیرد و هیچگونه تعهدی هم برای خرید اموال ازین کشور نداشته باشد.

هرگاه احصائیه‌های رسمی تجارت خارجی افغانستان ملاحظه گردد، بروشنی می‌توان دریافت که از حجم صادرات به کشورهای حوزه آزاد تجارتی از یکسال تا سال دیگر، بمیزان فراوان یی کاسته می‌شود. اما برعکس مقدار واردات از آن کشورها افزوده می‌گردد. بغرض تصویر بهتر این میلان بجهت کاهش صادرات و افزایش واردات درین نوع مبادله، ارقام و حقایق را تذکار می‌دهیم:

در کتاب تحلیل اوضاع اقتصادی منتشره وزارت پلان اعتراف می‌گردد: «صادرات افغانستان (در سال ۱۳۴۵) به حوزه آزاد بمقایسه سال ۱۳۴۴ سقوط نموده است، چنانچه صادرات به انگلستان و جرمنی که ممثلین برجسته حوزه آزاد استند بالترتیب ۱۲ فیصد و ۹ فیصد سقوط نموده است...» در حالیکه بر اساس احصائیه‌های همین کتاب واردات ما از آلمان غرب در سال ۱۳۴۵ بمقایسه سال ۱۳۴۴ به اندازهٔ ۱۹،۵ فیصد افزایش یافته است و همچنین در بین این دو سال در حجم واردات از ایالات متحده امریکا ۸،۹۱ فیصد ازدیاد بعمل آمده و در مقابل سطح صادرات به آنکشور به اندازهٔ ۵۰،۱۹ فیصد پائین افتاده است.

به این دو رقم توجه فرمایید: در سال ۱۳۴۴ بر طبق احصائیه وزارت تجارت، معادل ۸۷،۴ ملیون افغانی اجناس تولیدی از هسپانیه در برابر رقم صفر صادرات به آن کشور، وارد وطن ما گردیده است و جاپان در مورد خریداری اجناس صادراتی ما خیلی سخاوت (!) بخرچ داده و برای اینکه جایش در لیست کشورهای وارد کننده اموال صادراتی افغانستان خال نباشد، مقدار قلیلی کشمش و بادیان به ارزش (۴۰۰) هزار افغانی خریداری کرده و در مقابل میدانید چه اندازه امتعهٔ خود را به افغانستان صادر کرده است؟! معادل (۵۶۰) ملیون افغانی، آنهم چه چیزهایی (!). در سال ۱۳۴۵ در حجم واردات از جاپان باز هم ۲۰ فیصد افزودی حاصل گردیده، در حالیکه کمترین صادراتی هم به آنکشور نداشته‌ایم.

تذکر این نکته لازمی است که: احصائیه‌های رسمی مربوط واردات از کشورهای حوزه «آزاد» تجارت بنا بر ترتیب بیجک‌های جعلی و

(ص ۳)

«بقیه صفحه اول»

ملاکین فیودال دشمن عمده...

بزرگ دولت (بیروکرات‌های)، مالکیت تجار بزرگ دلال، که همه در شکل باهم متفاوت اند ولی ماهیت همهٔ آنها یکی است و به حیث مالکین ارضی (فیودال‌ها) بشمار می‌روند و با هم در یک طبقه حاکم شامل‌اند.

باید خاطرنشان کرد که روابط تولید سرمایه‌داری در دهات افغانستان ناچیز می‌باشد. سرمایه‌داران تجاری و صنعتی عیناً مثل مالکین ارضی در دهات خصوصیت فئودالی را حایز اند. مستأجران بزرگ (کولاک‌ها) در کشور رشد نیافته بسیار ضعیف و ناچیزند.

در افغانستان تخمیناً هفتاد فیصد نفوس دهات را به استثنای کوچیان زحمتکشان ده تشکیل می‌دهند که از آنجمله مزدوران کشاورزی یا نیمه پرولتاریا که به شدیدترین نوع استثمار می‌شوند بیست فیصد، دهقانان اجاره‌دار و کشتمند و بی‌بضاعت ۴۰ فیصد، و پیشه‌وران و شاگردان کارگاه‌های دستی ده فیصد را تشکیل می‌دهند که یا فاقد زمین و بی‌چیزند و یا صاحب یک و دو جریب و سه جریب... زمین می‌باشند و راجع به هر یک آنها در آینده صحبت خواهیم کرد.

(نفوس کشور در سال ۱۳۴۷ در حدود شانزده ملیون تخمین گردیده که منجمله ۳ ملیون بصورت کوچی، ۱۱،۳۷ ملیون در دهات و ۱،۶۳ ملیون در شهرها زندگی می‌کنند.

در افغانستان ۳۹ ملیون جریب زمین تحت زرع می‌باشد، - مأخذ طرح پلان سوم - تخمین در حدود هفتاد فیصد عواید ملی از زراعت تأمین می‌گردد و ۸۷ فیصد نفوس کارگر کشور مشغول کشاورزی و مالداری اند).

اشکال عمده استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان؟

مسلم است که مقاصد و اهداف مبارزه مشترک طبقه کارگر و دهقان در کشور های مختلف متباین است. در کشور های که مناسبات فئودالی یا بقایای این مناسبات قویاً وجود داشته باشد نخستین و مهمترین وظیفه دموکراتیک عبارت است از مبارزه در برابر فیودالیزم، در برابر اشکال استثمار فئودالی دهقانان.

عمده‌ترین اشکال استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان قرار ذیل است:

- ملکیت های بزرگ زمین (با در نظر گرفتن مناطق مختلف کشور از لحاظ وجود زمین‌های آبی، للمی، قلت زمین زراعتی و تراکم نفوس و کثرت زمین زراعتی و قلت نفوس) در دست ملاکین بزرگ (فیودال‌ها) است.

توده‌های عظیم دهقانان فقیر بنا بر فقر کشندهٔ که دامنگیر اکثریت آنهاست قادر نیستند قطعه زمین شخصی برای تأمین حداقل زندگی خود داشته باشند و یا خریداری کنند لهذا طبعاً دهقانان بنا بر روابط حقوقی کهنهٔ مسلط در جامعه مجبور استند که قطعه زمینی را بصورت اجاره و دهقانی و کشتمندی از ملاکین بشرایط اسارت آور بگیرند و بدین ترتیب عواید فراوان قشرهای مختلف طبقهٔ ملاکین فئودال از طریق استثمار بی‌رحمانه مولدین مستقیم یعنی دهقانان بدست می‌آید. سطح استثمار در کشور روزافزون و حادتر می‌گردد. این وضع تضاد آشتی‌ناپذیر (انتیگونستیک) را در نظام فئودالی کشور نشان می‌دهد.

عمده‌ترین شکل استثمار فئودالی بصورت جنس و بعضاً به شکل نقد می‌باشد که از محل دهقانی و اجاره زمین پرداخته می‌شود.

دهقانان و اجاره‌داران بطور متوسط از پنجاه درصد تا هشتاد درصد مجموع محصول یعنی دسترنج خود را بصورت بهرهٔ مالکانه به مالک می‌پردازند.

باید خاطرنشان کرد که تاکنون قانون اجاره‌داری و دهقانی در افغانستان وجود ندارد. و در نقاط مختلف کشور طبق قرارداد های کوتاه‌مدت عرفی و تعاملی معیارهای مختلفی برای پرداخت اجاره دهقانی که غالباً فوق‌العاده ظالمانه و شدیداً استثمار کننده می‌باشد استقرار دارد.

- نظام فرتوت سرویس کار بالای زمین ملاک در افغانستان از بیرحمانه ترین نظام‌ها در آسیا می‌باشد. دهقانان بنا بر عدم یک نظام حقوقی مدنی مجبورند که زمین ملاک را بوسایل

(ص ۳)

از (ص اول)

مبارزه عادلانه خلق پښتونستان...

بودند که بحیث محافل حاکمه پاکستان، ادامه‌دهندهٔ سیاست نو استعماری گردیدن و موانع بزرگی در راه نهضت آزادی‌بخش ملی خلق پښتون و بلوچ ایجاد نمودند.

محافل حاکمه پاکستان برای تحکیم تسلط خود و جلوگیری از نفوذ افکار مترقی، با ایجاد شعارهای دروغین «وحدت اسلامی» و «مسلمانان یک ملت اند»، فجایع بزرگی را مرتکب شدند و ده‌ها واقعهٔ خونین و غیرانسانی را بوجود آوردند، مانند فاجعه قتل‌عام چار سده، بمباردمان هوایی و زمینی قراء بی‌دفاع پښتونستان و غیره.

جمعیت ملی و مبارز «سرخپوشان» را که به رهبری زعیم بزرگ و محبوب خود، خان عبدالغفار خان در طرد استعمار از نیم قاره هند و بدست آوردن آزادی آن قربانی‌های عظیمی را متحمل گردیده بود، منحل کرده و رهبران و پیش‌آهنگان سر سپردهٔ جریانات سیاسی پښتون و بلوچ را به وحشیانه‌ترین وجهی حبس، تبعید و اعدام نمودند و بالاخره سیاست ترور و اختناق را به فجیع‌ترین شکل آن، در برابر نهضت آزادیخواهی مردم پښتونستان در پیش گرفتند. زمامداران پاکستان با پیروی از سیاست ستم ملی پلان ظالمانهٔ «یک یونت» پاکستان غربی را تطبیق و سرزمین پښتونستان را بدون در نظر گرفتن آراء مردم آنجا، به ولایت پنجاب ملحق و با این عمل ضد دموکراتیک خود، رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خلق پښتون و بلوچ را مختنق کردند.

هر نوع حقوق و آزادی های ابتدائی آنها را که در اثر مبارزات شدید با استعمارگران انگلیسی بدست آورده بودند، زیر پا نمودند. و برای حفظ تسلط استعماری و منافع طبقاتی خود با شامل ساختن پاکستان در پیمان های امپریالیستی سنتو و سیتو، پاکستان و پښتونستان را به پایگاه ارتجاع و امپریالیزم امریکا مبدل ساختند.

هیأت حاکمهٔ پاکستان که از پشتیبانی همه‌جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا برخوردار است، از راه تبلیغات ارتجاعی علیه هر نوع جنبش های مترقی، دموکراتیک و ملی در داخل و خارج علیه کشورهای صلح‌دوست فضای بی‌نهایت متشنج و غبارآلودی را در این گوشه جهان ایجاد کرده است و با تبدیل پاکستان به مرکز تجاوز، توطئه، جاسوسی، سبوتاژ و تحریکات علیه کشورهای صلح‌دوست و همسایه، رقابت های خطرناک تسلیحاتی را به ضرر رشد اقتصادی کشورهای روبه انکشاف این منطقه، براه انداخت و با این وسیله از هیچ نوع تجاوز و ستم بر خلق‌های سرتاسر پاکستان و سرکوبی جنبش آزادی‌بخش پښتونستان دریغ ننمود. ولی محافل حاکمه سیاسی پاکستان باوجود این همه تشدد و توطئه، نتوانستند مبارزه عادلانه خلق پښتونستان و بلوچ را خاموش سازند، بلکه برعکس مبارزه آنها عمق و وسعت بیشتری پیداکرده و تا کنون باشکال مختلف مسالمت‌آمیز

(ص ۳)

(بقیه صفحه اول)

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

فوق‌العاده ابتدایی قرون‌وسطایی کشت کنند و عوارض غیرمستقیم و مستقیم (اخذ سورسات)، عوارض اربابی و غیره...) بپردازند و انواع کارهای بیگاری را برای مالک انجام بدهند.

در حقیقت دهقانان فقیر و اجاره‌دار و کشتمند و کارگران مزدور زراعتی با تمام اعضای خانواده خویش ظاهراً آزاد ولی مانند «سرف» عملاً وابسته به زمین استند.

قروض دایمی و سود فاحش و سلم کمرشکن، اکثریت دهقانان را در قید اسارت ملاکان و سودخواران درآورده است. وجود سود ظالمانه در دهات کشور که سالیان دراز دهقان قادر به پرداخت آن نمی‌شود و به مرور زمان افزود می‌گردد، حتی خانوادهای دهاقین را عملاً به بردگی سوق می‌دهد.

ـ شیوه استبداد سیاه شرقی محافل حاکمه سیاسی کشور و دستگاه اداری فاسد دولت که بر مبنای مناسبات اقتصادی و اجتماعی فئودالی استوار می‌باشد، طوری ستمگرانه در جریان است که همیشه دهقانان را دستخوش هوی و هوس مأموران و افسران محلی حکومت، قضات، پولیس و ژاندارم که معمولاً در خدمت ملاکین بزرگ و متنفذین محلی (سردارها، خوانین، اربابها، میرها، بیگ ها، آقسقالها... و غیره استند، قرار می‌دهد.

یکی دیگر از اشکال استثمار فئودالی همانا عبارت از استثمار تاجران بزرگ دلال وابسته به امپریالیزم است که از راه خرید و فروش و صدور محصولات زراعتی کشور سودهای فراوان بدست می‌آورند.

در همین شیوه استثمار است که استثمار امپریالیستی از طریق کمپرادورهای داخلی مطرح بحث قرار می‌گیرد.

موجز اینکه در اثر این‌همه استثمار شدید و بی‌رحمانه، توده‌های عظیم دهقانان افغانستان در فقر و فاقه بیکران بسر می‌برند.

نتایج تسلط مناسبات فئودالی در افغانستان عبارت است از: کسر مزمن تولیدات زراعتی و قلت غله، عدم رشد سریع نیروهای تولیدی که محرک ترین و انقلابی تری جزو تولید است، عدم رشد صنایع ملی، عقب‌ماندگی تخنیک زراعتی، فقر، آوارگی، جهل و بیماری اکثریت عظیم دهقانان کشور، سیر صعودی سرسام آور قیمت‌ها، عدم استقرار بازار مواد زراعتی ... و غیره.

مسلم است که تا مناسبات و روابط فئودالی در کشور مسلط باشد و هرچه زودتر اصلاحات عمیق اساسی و دموکراتیک ارضی (طبق مرام دموکراتیک خلق) بشرکت همه دهقانان و به نفع دهقانان اجرا نگردد و تجارت خارجی ملی نشود (در پهلوی دیگر تحولات اجتماعی...) ناممکن است که زمینه رشد سریع اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی را تهیه دید، کشور را صنعتی ساخته، نفوذ استعمار نوین و امپریالیزم و تسلط هواداران آنرا طرد کرد و دموکراسی را در کشور تحقق بخشید، ترقی اجتماعی را تأمین کرد و به فقر مردم خاتمه داد.

«پایه‌های فئودالی می‌تواند فقط تحت فشار جنبش دموکراتیک تمام خلق منهدم شود. فقط اصلاحات عمیق ارضی و جنبش وسیع دهقانی می‌تواند بقایای رژیم قرون وسطایی را که سد را ترقی نیروهای مولده هستند در هم نوردد»

ما معتقدیم که در آخرین تحلیل تنها نیروی خلق بر مبنای اتحاد طبقه کارگر و دهقانان به پیشروی و رهبری طبقه کارگر و سازمان پیشآهنگ سیاسی آن قادر است که مناسبات اقتصاد فئودالی و نفوذ سیاسی آنرا بر اندازد. و دهقانانی را که بالای زمین کار می‌کنند صاحب زمین گردند و تغییرات کیفی و بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه بوجود آورد.

از آنچه در بالا بصورت مقدماتی توضیح شد نتیجه گرفته می‌شود که ملاکین فئودال به اتحاد تاجران بزرگ و دلال بیروکراتهای (و همچنان آن قشر روشنفکران که مدافع این طبقات‌اند) که شعوری یا غیر شعوری بامپریالیزم وابسته اند، دشمنان عمده خلق و مانع عمده استحکام استقلال ملی، تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و پیشرفت جامعه افغانستان در این مرحله تاریخی جنبش دموکراتیک و ملی اند.

یادداشت:

چون تاکنون در زمینهٔ مناسبات و روابط و سایر خصوصیات نظام فئودالی در جامعه نامنکشف ما تحقیقات و مطالعات علمی و عمیقی صورت نگرفته و احصاییه‌ها و ارقام دقیق و مطمئن وجود ندارد، لذا تحقیقات ما در بارهٔ مناسبات فئودالی افغانستان روی کلیات و احصائیه‌های تخمینی استوار است.

بنابر آن از تمام رفقا، دوستان و هموطنان ارجمند خواهش می‌کنیم در هر کجای کشور که هستند تحقیقات، انتقادات، معلومات و نظریات خویش را در بارهٔ خصوصیات و اشکال استثمار و ستم نظام فئودالی، ماقبل فئودالی و قبیلوی افغانستان به ما ارسال دارند.

(بقیه ص ۲)

سیاست درهای باز

سازش‌های گمرکی، غرض گریز از پرداخت محصول، حتی دو ثلث ارقام واقعی را در زمینه هم ارائه کرده نمی‌توانند، تا رسد به ورود اموال قاچاقی که در قید هیچگونه بند و احصائیه یی نیست و بازارهای سرتاسر کشور را استیلا کرده و آنهم همه اموال کم دوام و بد کیفیت مه وجود آنها زاید است.

این وضع یکی از ده‌ها شیوه نفوذ استعمار نوین در اقتصاد ناتوان کشور ماست. امپریالیزم با نیرنگ‌های جدید استعماری و اشکال توطئه آمیز طرح سیاست به اصطلاح اقتصاد منطقوی و تشویق و ترغیب طبقات حاکمه کشورهای وابسته بخود (پاکستان، ایران...) جهت صدور اموال استهلاکی که غالباً زائیده سرمایه‌گذاری‌های انحصارات امپریالیستی در این کشورها می‌باشد، سعی می‌کند تا ازینطریق نیز در اقتصاد کشور ما نفوذ خود را بسط و توسعه دهد. درین مورد مطالب زیادی گفتنی است که در جای خودش مورد بحث قرار خواهد گرفت اما در اخیر این مبحث خاطرنشان می‌گردد که هرگاه جلو نفوذ اقتصادی استعمار نو گرفته نشود و تورید بی بندبار اجناس مصرفی از کشورهای امپریالیستی و وابسته به آن که از طریق تجارت مبتنی بر مبادله آزاد که با اعلانات و اشتهارات رنگین و عوامفریبانه دامنهٔ آن وسیعتر می‌شود، محدود نگردد و به سیاست وارداتی درهای باز و قاچاق پایان داده نشود، افغانستان بزودی به یک مستعمره اقتصادی کشورهای شامل حوزه «آزاد» تجارتی و بخصوص دو کشور پاکستان و ایران تبدیل خواهد شد.

(قسمت دیگر این موضوع را در شماره آینده مطالعه فرمایند)

(بقیه صفحه ۲)

مبارزه عادلانه ...

و قهرآمیز پنهان و آشکار علیه بدترین شکل ارتجاع و استبداد ادامه دارد. و خلق پښتون و بلوچ در این مبارزه عادلانهٔ خویش از همدردی عمیق خلق شریف پاکستان، پشتیبانی و تائید همه نیروهای انقلابی و صلح‌دوست جهان به خصوص مردم زحمتکش افغانستان برخوردار اند.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بنا بر ماهیت ضد استعماری خویش و نظر به علایق عمیق تاریخی ای که بین خلق‌های افغانستان و پښتونستان وجود دارد، حمایه و پشتیبانی از مبارزهٔ عادلانه و جنبش آزادی‌بخش ملی مردم پښتون و بلوچ را علیه استعمار وظیفه ملی و بین‌المللی خود می‌داند و در این راه از هیچنوع کمک و فدا کاری دریغ نمی‌کند.

حمایه و پشتیبانی ما از مبارزات خلق‌های پښتونستان مبنای محکم اصولی و ریشه عمیق تاریخی دارد و هرگز تابع نوسانات سیاسی درین جا و آنجا نبوده و نخواهد بود. ما رویهٔ سازشکارانه و سیاست عوامفریبانه محافل حاکمه ارتجاعی افغانستان را در مورد جنبش رهایی‌بخش پښتونستان جداً تقبیح می نماییم. اکنون ماهیت این «سیاست دفع الوقت» حکومت‌ها به همه آشکار گردیده و موانع در راه تشکیل «حکومت آزاد موقتی» پښتونستان ایجاد می‌گردد موجب نگرانی و عدم رضائیت کلیه نیروهای مترقی و وطن‌پرست می‌باشد.

مبارزه اصولی در راه از بین بردن این موانع و ذهنیت های تنگ‌نظرانه انحرافی در برابر جنبش آزادی‌بخش پښتونستان که به سود ارتجاع می‌باشد از وظایف ملی، دموکراتیک و مترقی جریان دموکراتیک خلق افغانستان است.

(میر اکبر خیبر)

پرچم
شماره آینده بروز دوشنبه نشر می‌شود

سال تأسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول:
سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیت
محمد جانخان واټ
کابل - افغانستان

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ ــ افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ ــ افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

نمبر حساب‌جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجارتی بانک

تایپ ویرایش جدید: قاسم آسمایی

مطبعه دولتی

اول ماه می

یا روز همبستگی کارگران جهان

هشتاد و دو سال قبل، بروز اول ماه می ۱۸۸۶، کارگران شهر شیکاگوی اضلاع متحده امریکا، بغرض تقلیل ساعات کار و علیه اخراج یک عده از کارگران از کارگاه‌ها، استثمار بی‌رحمانه و شرایط طاقت‌فرسای کار، دست به اعتصاب زدند. ولی در اثر آتشباری وحشیانه پولیس، چندین تن از کارگران بطور فجیعی کشته شده و تعدادی زیادی هم زخمی گردیدند.

بروز سوم این فاجعه غم انگیز درست در هنگام تدفین کارگران شهید، بار دیگر پولیس به کارگران حمله برد و در اثر زد و خوردی که بین آنان صورت گرفت، بیش از سه صد نفر کارگر کشته و زخمی گردید. عده کثیری از کارگران بی‌گناه را رهسپار زندان‌ها کردند و در نتیجهٔ یک محاکمهٔ دستوری شش نفر از کارگران زندانی محکوم به اعدام شدند، که از آن جمله چهار تن را به چوبهٔ دار بستند.

یک سال بعد از این فاجعهٔ دردناک کارگران اضلاع متحدهٔ امریکا دست به اعتصاب وسیعی زدند که بالاثر در سال ۱۱۸۹ روز اول ماه می، بنا بر درخواست کارگران امریکا، از طرف کنگرهٔ بین‌المللی کارگران بحیث روز کارگر شناخته شد.

باآنکه از فاجعه اول ماه می، ۸۲ سال می‌گذرد، هنوز خاطرهٔ آن قلوب مردان و زنان کارگر جهان مقام ارجمندی دارد و هر سال آنرا بحیث روز جشن کارگری باشکوه و عظمت خاصی تجلیل می‌نمایند.

پرچم: یک بار دیگر جشن ماه می را به کافهٔ کارگران جهان و کشور از صمیم قلب تبریک می‌گوید و موفقیت‌های درخشان شانرا در مبارزه علیه استثمار بخاطر رهایی از هرنوع ستم آرزو دارد.

طبقه کارگر به موازات تشکیل اتحادیه‌های کارگری و صنفی خود، باید به سازمان واحد سیاسی خویش بپیوندد.

پیگیر ترین مبارز در راه انجام جنبش دموکراتیک و ملی، در راه نجات خلق افغانستان و ترقی اجتماعی، طبقه کارگر جوان کشور است.

اعتصاب کارگران پیشرو جنگلک

ادامه نهضت کارگری افغانستان است

کارگران زحمتکش فابریکهٔ جنگلک بروز هفت ثور دست باعتصاب قانونی زدن.

یکی از کارگران اظهار داشت: «کارگران این فابریکه بارها مطالبات خود را بکار فرمایان فابریک رسانیدند اما با برخورد ظالمانهٔ آنان مواجه شدند».

کارگران نجیب و دلیر جنگلک بخبرنگار پرچم گفتند که علت عمدهٔ اعتصاب شان اینست که تا کنون بمطالبات شان مبرم روزمرهٔ آنان کوچکترین اعتنایی نشده است، و افزودند که عمده‌ترین مطالبات کنونی‌شان قرار ذیل است:

ـ افزایش عادلانهٔ دستمزد.

ـ تأمین استحقاق سالانه ۷۰ روز رخصتی، مریضی و تفریحی با حقوق برای کارگران.

ـ تهیه وسایل حمل‌ونقل کارگر از محل رهایش تا فابریک و بالعکس.

ـ داخل شدن خانوادهٔ کارگر در بیمهٔ صحی.

ـ تهیهٔ لباس کار بدون پرداخت پول برای کارگران.

ـ انتقال پول ذخیرهٔ کارگران ببانک و اعادهٔ مفاد آن بعد از سبکدوشی کارگران از کار.

توزیع کوپون و تأمین رخصتی بعد از ظهر پنجشنبه برای کارگران.

تا جایکه جریان این اعتصاب توسط خبرنگار پرچم تعقیب گردید کارفرمایان جنگلک بتأسی از خصلت ضد کارگری خود اینبار نیز مطالبات کارگران جوان و ستمکش فابریکه را دفع الوقت کردند و در راه تأمین مطالبات زحمتکشان هیچگونه اقدامی بعمل نیاوردند.

پرچم: که دفاع از حقوق کارگران زحمتکش کشور را مأموریت تاریخی خود می‌دانند از اعتصاب قانونی کارگران جنگلک دفاع و پشتیبانی می‌نمایند و آرزومند است که کارگران سرتاسر کشور باهم متحد شوند، این اتحاد بین صفوف کارگران وقتی امکان‌پذیر خواهد بود که طبقهٔ جوان کارگر افغانستان اتحادیه‌های دموکراتیک خود را ایجاد نمایند و به هیچ فرد، جریان و نیروی اجازه ندهند که در صفوف آنان رخنه و پراگنده‌کی ایجاد نمایند.

پیروز باد نهضت جوان کارگری در کشور!

اخراج کارگران نساجی

گلبهار

میگویند کارفرمایان فابریکهٔ نساجی گلبهار یکعده از کارگران را از کار اخراج می‌نمایند.

گفته می‌شود، علت این امر پائین افتادن سطح تولیدات فابریکه و کمبود پختهٔ مورد نیاز می‌باشد که نتیجهٔ آن علاوه بر اخراج یک عده از کارگران، تقلیل ساعات کار و کم شدن مزد سایر کارگران است.

پرچم: اگر این امر حقیقت داشته باشد، ما آنرا نمونهٔ دیگری از سیاست غلط اقتصادی دولت میدانیم که نتیجهٔ جز آوارگی کارگران محروم کشور ندارد.

بمناسبت اول ماه می

به طبقهٔ جوان کارگر

بیا...!
بیا ای کارگر،
ای در نبرد زندگانی گرد رزم آور...!
آیا عصر آفرین نیروی دورانساز عصیانگر،
بجنب از جا...!
بجنب از جا، چو موج مست و توفانزا،
که خیزد از دل دریا:
غریو انداز و خشم آگین و ویرانگر،
که لرزد پشت دژخیمان،
که غلتد کاخ ستمگر.
دگرگون گردد از بنیاد این نظم ستمگر!

بیا...!
بیا ای کارگر،
ای پیشتاز خلق و جنبش را مهین رهبر...!
بیا از غریوت در جهان بر ارتجاع محشر.
بیا هنگامه برپا کن، بر استبداد غوغا کن،
بپا شو! شور بشکن بشکن زنجیر بالا کن.
بخون کش دیو استثمار، این عفریت غارتگر.
که این غول از تو میترسد، نه از اتوم آتشبار مرگ آور.
تو پرچمدار خلقی و رهایی بخش این کشور.
بیا...!
ای کارگر،
ای در نبرد زندگانی گرد رزم آور...!
آیا عصر آفرین نیروی دورانساز عصیانگر.

(بارق شفیعی)

حقوق کارگران

تلف می‌شود

مقامات مسؤول ریاست برق کابل به بهانهٔ نداشتن بودیجهٔ کافی (!) سهیمهٔ کوپراتیف کارکنان فنی (رتبه یک تا رتبه چهار) شرکت را قطع کرده است. در حالیکه معاشات ناچیز کارگران تحت تأثیر صعود سرسام آور قیمت‌ها حتی حد اقل زندگی‌شان را تأمین کرده نمی‌تواند، قطع سهیم کوپراتیف آنان بر دشواری های زندگی‌شان می‌افزاید.

پرچم: جداً می‌خواهد تا به چنین خودسری‌ها که باعث اتلاف حقوق و پریشانی کارگران می‌شود، خاتمه داده شود.

تعداد کارگرانیکه در سال ۱۳۴۶ در امور تولیدی اشتغال داشته‌اند

ـ در مؤسسات فعال صنعتی ۲۸ هزار نفر.

ـ در امور جیولوجیکی و ساختمانی ۸۳ هزار نفر.

ـ در امور ترانسپورت و مخابرات (بدون مأموران اداری) ۱۵ هزار نفر.

ـ در صنایع‌دستی ۲۰۰ هزار نفر.

ـ در سایر رشته‌ها (فعالیت تولیدی در دهات) ۱۰۰ هزار نفر.

طبق تخمینات اخیر در حدود ۸۰ هزار نفر کارگر ماهر و نیمه ماهر پس از تکمیل پروژه‌های پلان اول و دوم اقتصادی کشور که از دهات غرض کار به پروژه‌های انکشافی رو آورده بودند، اکنون بیکار اند.

فردا: عنقریب نشر می‌شود: آری فردا با مطالب خواندنی اش.